

عوامل اثرگذار بر مهاجرت افغان‌ها به ایران

علیرضا جانزاده^۱

استادیار علوم اجتماعی، سازمان امور دانشجویان
(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۴/۳ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۱۰/۱۷)

چکیده

در دهه پنجاه به دلیل رونق نفتی کشورهای خاورمیانه، کارگران افغانی در بازار کار ایران حضور یافتند. ولی این مهاجرت پس از شرایط سیاسی جنگ سرد، شتاب بیشتری به خود گرفت و پس از خروج شوروی‌ها از افغانستان این کشور دچار مشکلات ساختاری نوینی شد که پیامد آن، تأثیر بر زندگی مهاجران بود. پس از دوران جنگ سرد و پیدایی وضعیت‌های جدید در منطقه از جمله خروج شوروی از کشورهای آسیای میانه و کشور آذربایجان و کشف مقادیر عظیم نفت و گاز در این کشورها و توجه جهانی به آن نیز تغییرات و تحولات منطقه‌ای، اشکال جدیدی از وضعیت‌ها را شاهدیم که بر ماندگاری یا بازگشت مهاجران افغان تأثیرگذار بوده است. در این مقاله به شناسایی عوامل داخلی، منطقه‌ای و جهانی اثرگذار بر مهاجرت افغان‌ها به ایران می‌پردازیم.

واژه‌های کلیدی

ایران، افغانستان جنگ سرد، مهاجرت بین‌المللی، مهاجرت افغان‌ها.

۱. مقدمه

بیش از ۸۰ درصد اتباع خارجی ایران را مهاجران افغانستانی تشکیل می‌دهند. از نظر آماری تنها ۲/۳ درصد جمعیت افغان‌ها قبل از سال ۱۳۵۷ در ایران حضور داشتند. عمده حضور جمعیت افغان‌ها در ایران در سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸ صورت گرفته است (طرح آمایش ۱۳۸۴). سؤالاتی که مطرح می‌شود این است: الف) چرا آنها در ایران هستند؟ ب) چه عواملی سبب حضور آنها در جامعه ایران شده است؟ ج) آیا استقرار آنها دائمی یا مقطعی است؟ د) چه عواملی بر بازگشت آنها به افغانستان مؤثرند؟ در این مقاله در پی پاسخگویی به پرسش‌های مذکور هستیم.

۲. دیدگاه نظری

مهاجرت و جابه‌جایی جمعیت که به اجتماعات انسانی گوناگون نوعی ظرفیت پویا می‌بخشد تا بتوانند از مراحل بحرانی گذر کنند و در برابر عدم تعادل‌هایی که هستی این جوامع را به خطر می‌افکند، مقاومت کنند.

در دسته‌بندی مهاجرت می‌توان به مهاجرت‌های ۱. ارادی و خودخواسته، ۲. مهاجرت اجباری، ۳. مهاجرت انبوه و دسته‌جمعی، ۴. مهاجرت فردی، ۵. مهاجرت قانونی و ۶. مهاجرت غیرقانونی اشاره کرد.

در تلاش برای طرح نگرش جامع به مسئله مهاجرت‌های بین‌المللی کرتیز و همکاران به تلفیق و تکمیل دیدگاه‌های مختلف پرداخته و بر پویایی جریان‌های مهاجرتی تأکید کرده‌اند. به نظر آنها مهاجرت‌های بین‌المللی که بین سرزمین‌های مبدأ و مقصد مهاجرتی جریان می‌یابند، به‌طور تنگاتنگی با سایر حلقه‌هایی که درهم تنیده شده و سیستمی را به‌وجود می‌آورند که مهاجرت را شکل می‌دهند و به جریانی پویا و بالنده تبدیل می‌کنند، از نظر آنان ارتباط تاریخی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی نه به‌صورتی تنها و جدا از هم بر مهاجرت تأثیر می‌گذارند، بلکه به‌عنوان مجموعه‌ای تفکیک‌ناپذیر، بستر لازم برای مبادلات مهاجرتی را فراهم می‌آورند و آن را تداوم می‌بخشند (زنجانی، ۱۳۰۸: ۱۲۹).

با توجه به مباحث ذکر شده باید گفت که عوامل زمانی، مکانی و انگیزشی در بروز پدیده مهاجرت نقش اساسی دارند. بر این اساس می‌توان گفت که مهاجرت حرکت انسان‌ها از نقطه‌ای به نقطه دیگر، در فاصله زمانی خاص با قصد و انگیزه بهبودخواهی است و باید دانست که در امر جابه‌جایی‌های جمعیتی دو نوع گریز از اضطرار و اجبارهای محیطی، خود نوعی بهبودخواهی و رفاه‌طلبی است. از این‌رو انگیزه غالب مهاجرت ما بهبودطلبی، آسایش و آرامش است.

بروس کوئن مهاجرت را پدیده‌ای می‌داند که به دلایلی مانند ناکافی بودن عرضه مواد غذایی در یک منطقه، تفاوت عقیدتی یا سیاسی، جنگ، نفرت‌ها و خصومت‌های گروهی و جمعی صورت می‌گیرد (کوئن بروس، ۱۳۹۱: ۲۸۴).

نتیجه نهایی این مهاجرت‌ها پیدایش مسیرهایی است که آغازگاه و پایانشان تا حد زیادی به عوامل دافعه (رانش) و جاذبه‌ای (کشش) مهاجرت بستگی دارد. این عوامل کشش و رانش مهاجرت هم کمابیش به طرز پایداری بر انگیزه‌های اجتماعات مهاجران تأثیر می‌گذارند.

۱. ۲. نظریه جذب و دفع اورت - س - لی^۱

لی دیدگاهی درباره مهاجرت دارد که مهاجرت را تحت تأثیر چهار عامل عمده تبیین می‌کند:

- الف) عوامل موجود در مبدأ (برانگیزنده و بازدارنده)؛
- ب) عوامل موجود در مقصد (برانگیزنده و بازدارنده)؛
- ج) موانع موجود در جریان مهاجرت از مبدأ به مقصد؛
- د) عوامل شخصی.

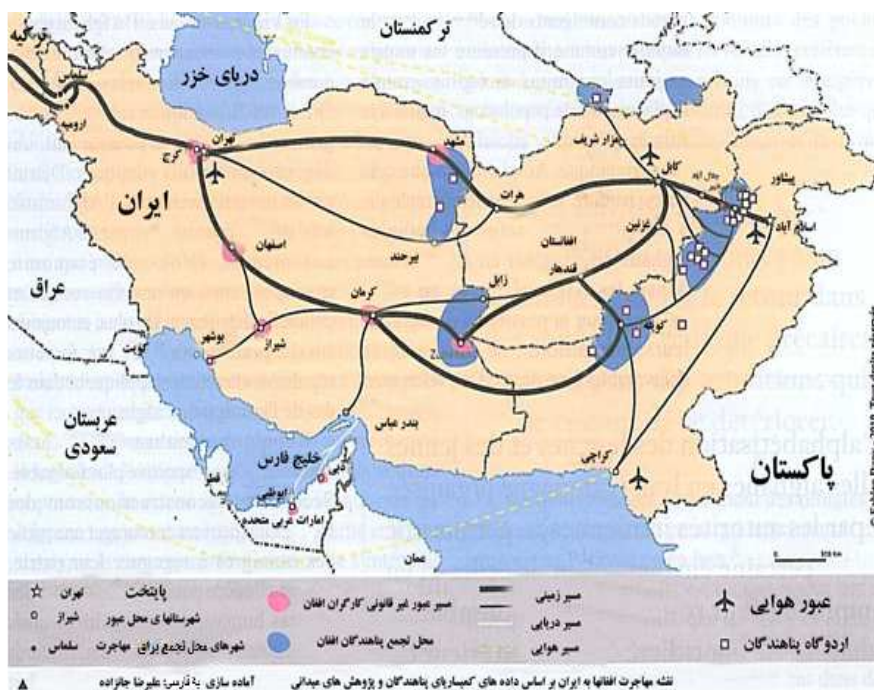
نظریه وی به تئوری دافعه و جاذبه معروف است و بر این بر اساس آن، در صورتی که برابند عوامل برانگیزنده و بازدارنده مثبت باشد، انگیزه به مهاجرت در فرد ایجاد می‌شود و اگر شخص نتواند این تمایل را از بین ببرد و موانع موجود در جریان مهاجرت نیز تأثیر بازدارنده اعمال نکند، مهاجرت عینیت می‌یابد و فرد حرکت خود را از مبدأ به مقصد آغاز می‌کند. وی امکانات بیشتر آموزشی، اشتغال و درآمد را در مقصد از جمله عوامل جاذبه می‌آورد و در مقابل هزینه‌های بالای زندگی در محل جدید، دوری از خانه و کاشانه و آلودگی محیط زیست را از عوامل دافعه محسوب می‌کند. نکته قوت نظریه لی تأکید درست و به‌جای او درباره عوامل شخصی است. تحت تأثیر این عوامل برخی افراد مهاجرت را ترجیح می‌دهند و به آن مبادرت می‌ورزند و برخی دیگر در محل سکونت خود باقی می‌مانند (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۳۲).

با توجه به این دیدگاه نظری، در پژوهش حاضر به مهاجرت افغان به ایران پرداخته‌ایم؛ مهاجرتی که مدت زمان و وسعت وقوع آن در دوره بیش از بیست‌ساله اخیر ابعاد شایان ملاحظه‌ای یافته است.

پس از ذکر کلیاتی در خصوص مهاجرت به‌عنوان مبانی بحث و ارائه یک پیش‌فرض، شاید خالی از فایده نباشد که به کشور افغانستان به‌عنوان بزرگ‌ترین کشور مهاجرفرست به ایران اشاره کنیم.

1. Everette S. Lee-

نخستین کشورهای منطقه که تحت تأثیر این مهاجرت واقع شده‌اند، کشورهای همسایه افغانستان هستند، مانند ایران و پاکستان. این دو کشور هنوز هم با حل مسائل مهاجران برون‌مرزی به کشورشان مواجه‌اند.



بنا به دلایلی که در مقاله حاضر بدان خواهیم پرداخت، مهاجرت افغانها به ایران ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که گواه نقش تاریخی کشور اخیر (ایران) در مسئله جمعیت‌های مهاجر افغان است. از همین رو در این متن تا حد زیادی به مطالعه ریشه‌های مهاجرت افغانها به ایران می‌پردازیم.

در خصوص علل مهاجرت افغانها، سه دسته عوامل را شناسایی کرده‌ایم (عوامل داخلی، منطقه‌ای و جهانی (بین‌المللی)) که در خاستگاه تحولات اخیر جامعه افغان قرار دارند. عوامل داخلی جامعه افغان عبارت‌اند از:

- فشار جمعیتی؛
- خشکسالی و قحطی که خود عامل و انگیزه این جمعیت برای مهاجرت است؛
- تعارضات قومی و گروهی و جنگ داخلی؛
- ناامنی؛

- فقدان زیرساخت‌های اجتماعی - اقتصادی؛

- کاهش تولید کشاورزی؛

- سطح نازل درآمدها؛

- ناکارایی (سوء‌کارکرد) و فروپاشی دستگاه اداری.

از میان عوامل منطقه‌ای که سطح دوم تحلیل را تشکیل می‌دهند، دو عامل مهم‌تر زیر را نقل می‌کنیم:

- نابرابری‌های قابل توجه درآمد ملی افغانستان در مقایسه با سایر کشورهای منطقه، به‌ویژه کشورهای ثروتمند تولیدکننده نفت (برانگیزاننده مهاجران اقتصادی به‌منظور مهاجرت)؛ درآمد یک افغانستانی شاغل در ایران پنج برابر درآمد هموطن شاغل او در افغانستان است. رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران می‌گوید: نرخ امید به زندگی در ایران ۷۳ سال و در افغانستان ۴۳ سال است که کمترین نرخ امید به زندگی در جهان است (حسن موسوی چلک، مهر ۱۳۹۵: ۳۲).

مقایسه شاخص‌های درآمد سرانه و توسعه انسانی در کشورهای افغانستان و ایران در سال ۲۰۱۰

رتبه	نام کشور	شاخص درآمد سرانه (PPP)	شاخص توسعه انسانی (HDI)	رتبه جهانی PPP	رتبه جهانی HDI	رتبه HDI - رتبه PPP
1	افغانستان	1419	0.349	143	155	-12
2	ایران	11764	0.702	67	70	-3

UNODOC: دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرائم سازمان ملل ۲۰۱۶

- حضور ناخواسته کشورهای منطقه در عصر جنگ سرد بین ابرقدرت‌های جهانی و جایگاه افغانستان در شطرنج سیاسی منطقه.

عوامل بین‌المللی این تغییرات که به مهاجرت منجر شد، پیوستگی نزدیکی با پیامدهای جنگ سرد، و با رقابت میان دو ابرقدرت جهانی بر سر منافع آنها در افغانستان دارد. در واقع افغانستان برای نوسازی خود به دفعات به کمک‌های مالی دو بلوک شرق و غرب متوسل شده است، بدین ترتیب روابط بین‌المللی خود را گسترش بخشیده است؛ امری که موجب گشوده شدن مرزهایش به روی جهان خارج شده است. بدین‌صورت، دو جریان فکری اساسی در فضای سیاسی این کشور، به میزان زیادی تحت تأثیر تقسیمات ایدئولوژیکی بوده است که دو بلوک ابرقدرت‌ها را [در دوران جنگ سرد] از هم جدا می‌کرده است. از سوی دیگر باید گفت

که در نهایت، همین تقسیم‌بندی به رویارویی میان گروه‌های سیاسی داخلی انجامیده شده است.

در کل می‌توان گفت پدیده مهاجرت مردم افغانستان به کشورهای همسایه، به‌ویژه ایران نیز از اشکال مهاجرت بین‌المللی است که در دهه‌های اخیر روند صعودی داشته است. این نوع مهاجرت از آن نظر که زائیده عوامل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی متعدد است، شایان توجه است. در خصوص سرچشمه‌های اصلی این نوع مهاجرت، می‌توان به ساختار قدرت و روابط سیاسی - اجتماعی حاکم بر این کشور اشاره کرد. از این گذشته افغانستان در طول تاریخ خود، شاهد جنگ‌ها و درگیری‌های عدیده داخلی و خارجی بوده است. این امر در روند مهاجرت ساکنان این کشور مؤثر بوده است. آغاز مشکلات و مسائل اجتماعی در افغانستان راه همزمان با فروپاشی ساخت سستی (مبتنی بر سلطنت و زعامت قوم پشتون) و اعلام جمهوری در سال ۱۳۵۲ شمسی و حضور شوروی در این کشور می‌دانند که در نتیجه ساختی جدید و پراکنده از قدرت در افغانستان ایجاد شد که بر دامنه مشکلات این کشور افزود. رویارویی‌ها و رقابت‌ها برای کسب قدرت در این کشور، به مهاجرت افراد زیادی از افغانستان به سوی کشورهای دیگر به‌ویژه ایران انجامید. پس از فروپاشی شوروی سابق و کناره‌گیری این کشور از صحنه وقایع کشورهای همسایه خود از جمله افغانستان اوضاع این کشور رو به بهبودی نهاد. اما دیری نپایید که تفوق‌طلبی‌ها بین اجتماعات گوناگون، این کشور را صحنه جنگ‌های خونین داخلی کرد. از پیامدهای مهم جنگ داخلی در افغانستان کوچ یا مهاجرت تعداد زیادی از مردم این کشور به کشورهای دیگر به‌خصوص کشورهای همسایه است (جمشیدپا و بابایی، ۱۳۸۱: ۹۰-۷۱).

به‌طور کلی می‌توان گفت مهاجرت، ناشی از عدم تعادل‌های اقتصادی - اجتماعی موجود بین مناطق مختلف است. بعضی عوامل به افراد فشار می‌آورند و موجب خارج شدن آنها از منطقه اصلی زندگی‌شان می‌شوند و در واقع دافع‌های کشور مبدأ سبب مهاجرت می‌شود (وحیدی، ۱۳۶۴: ۴۱).

۳. حضور مهاجران افغان در ایران

در مورد مهاجرت افغان‌ها به داخل مرزهای ایران به‌طور اخص، می‌توانیم از سنت کهنسال در این زمینه سخن بگوییم (برای مثال حضور قوم و مردم هزاره از میانه سده نوزدهم میلادی بدین‌سو). علل این مهاجرت را باید اساساً در فشار جمعیتی و نیز شرایط نامساعد اقلیمی و زراعی جست‌وجو کرد. در خصوص نخستین موج‌های مهاجرت افغان‌ها در مقیاس وسیع به‌سوی ایران، که به‌طور پیاپی در سال‌های ۱۹۷۰ اتفاق افتاد، این موج‌های مهاجرتی را باید در

پیوستگی با رونق نفتی (در ایران)، خشکسالی و نیز قحطی در افغانستان مطالعه کرد. افغان‌ها که [اکثریت مهاجران آنان] کارگران فصلی بودند آنها می‌توانستند نسبتاً به آسانی و آزادانه بین دو کشور جابه‌جا شوند، دست‌کم تا همین اواخر، با این حال برخی از آنها در ایران ساکن شدند تا بتوانند به‌طور مرتب نیازهای برخی افراد خانواده‌هایشان را در افغانستان تأمین کنند، و درآمدشان را برای ایشان که در آنجا مانده بودند بفرستند. این‌چنین بود که تا آغاز جنگ [در افغانستان]، افغان‌هایی که مهاجرت‌گزیده بودند، می‌توانستند بین یکی از این دو امکان انتخاب کنند، امری که موجد آزادی عمل نسبی برای آنان بود.

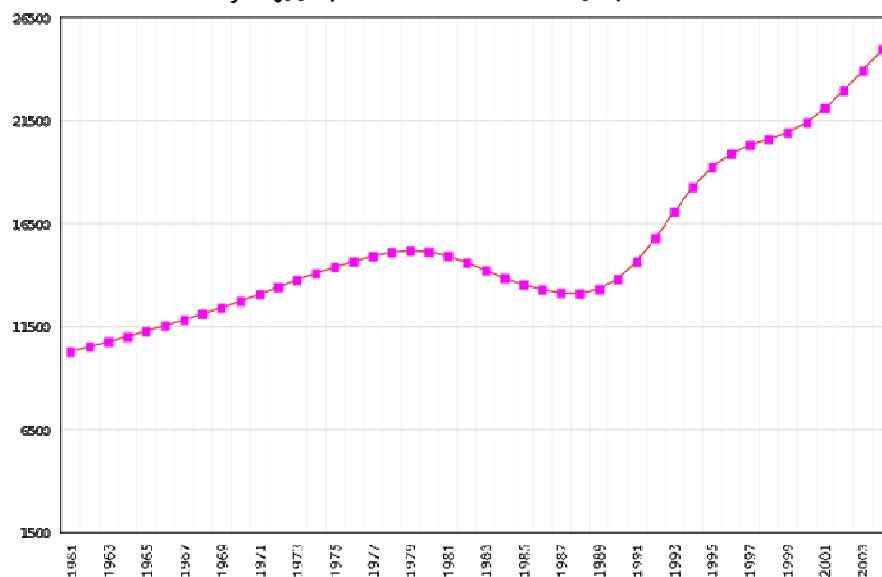
پس از کودتای سال ۱۹۷۸ در افغانستان و دخالت نظامی شوروی در ۱۹۷۹، این جریان مهاجرت رو به تقویت نهاد، و تسریع آن موجب پیدایش سیل مهاجرت گسترده میان دو کشور شد. برخلاف وضعیت قبلی، با شروع جنگ، مهاجرت وضعیت سخت‌تر و پیچیده‌تری به خود گرفت؛ این موضوع در تغییر رویکرد و تصمیم مهاجرانی که از مدت‌ها پیش در خاک ایران استقرار یافته بودند، مؤثر واقع شد. آنها از آن پس در ایران ماندند.

به‌رغم دست‌وپنجه نرم کردن ایران با مشکلات اقتصادی و سیاسی در این دوره، کارگران افغانی در بازار کار ایران حضور یافتند. مهاجران افغانی در ایران (برخلاف دیگر هموطنان آنها در پاکستان) که قسمت اعظم آنها در اردوگاه‌های پناهندگان (معروف به مهمانشهرها زندگی می‌کردند)، توانستند به بازار کار دسترسی یابند، پیوستگی به بازار کار ایران، به‌طور قطع چیزی نبوده است به‌جز بهبود وضعیت اقتصادی مهاجران افغان در ایران، در کنار دیگر مزایای فرهنگی و اجتماعی [برای افغان‌های مهاجر]. گذشته از این، خانواده مهاجر افغان در ایران رفته‌رفته تغییر ساختار می‌دهد و تعدیل می‌یابد. در این زمینه دو تغییر تعیین‌کننده بوده‌اند: کاهش نرخ بی‌سوادی در نزد جمعیت مهاجر؛ بهبود جایگاه زن افغان در خانواده و نیز در جامعه. اثرات این تغییرات امروزه هم به‌خوبی احساس می‌شود. در واقع، در طول سال‌های ۱۹۹۰ و با وجود فروپاشی حکومت کمونیستی در افغانستان در سال ۱۹۹۲، افغان‌های ساکن در ایران، ماندند. به‌ویژه اینکه ادامه جنگ داخلی در افغانستان، شرایط مساعدی را برای بازگشت تدریجی به خاک این کشور ایجاد نکرد، البته پس از سقوط طالبان که نویدبخش بازسازی تدریجی افغانستان است، می‌توان انتظار بازگشت تدریجی افغانیان را به خاک کشورشان داشت (ر.ی: Barnett r. rubin, 2013: 239). همچنین باید به‌خاطر داشته باشیم که سوادآموزی زنان و دختران جوان افغان در ایران (نهضت سازمان‌یافته از سوی مسئولان ایرانی)، با تقویت نقش و مسئولیت‌های آنان در زندگی روزمره و در خارج از منزل، به آزادسازی نسبی ایشان [در خانواده و جامعه] یاری رسانده است.

از دیدگاه تاریخ مهاجرت، مورد پناهندگان افغان به ایران (و پاکستان) از بزرگ‌ترین مهاجرت‌های جمعیتی در سراسر دنیاست. این امر به سبب این است که مورد مذکور دربرگیرنده انگیزه‌های مهم مشترک میان تمام جابه‌جایی‌های جمعیتی در جهان است؛ یعنی مجموعه‌ای از عوامل و انگیزه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و جمعیتی که در مهاجران انگیزه مهاجرت ایجاد می‌کند. ممکن است عجیب به نظر برسد، اما واقعیت دارد که عامل جمعیتی در امتناع پناهندگان افغان برای بازگشت به خاک کشورشان مؤثر بوده است. این گونه است که هنگامی که از افغانیان باقی‌مانده در خاک ایران، در مورد امکان بازگشت به افغانستان سؤال شد، تمایلی به اجرای این طرح نشان ندادند.^۱

علت این است که براساس نظر آنان، در صورت بازگشت همه پناهندگان افغان به کشور خودشان، این کشور ظرفیت تأمین منابع معاش کافی برای تمام جمعیت بازگشته به افغانستان را نخواهد داشت. البته با تأیید این نظر می‌توان گفت: جمعیت افغانستان، طی سال‌های ۱۹۶۱ تا ۲۰۰۳ از ۱۱/۵ میلیون نفر به ۲۶ میلیون نفر افزایش یافته است.

جمعیت افغانستان، ۱۹۶۱ تا ۲۰۰۳ به میلیون نفر



Afghanistan_demographypy <http://commons.wikimedia.org>

1. unhcr

افغانستان در طول سی‌ویک سال اخیر شاهد رویدادهایی در خاک خود بوده که بر سرنوشت آن کشور تأثیر پایداری برجا نهاده است؛ دخالت نظامی و جنگ داخلی، چراکه با خروج نیروهای شوروی از افغانستان، نه تنها منازعات داخلی متوقف نشدند، بلکه به درگیری‌های گروهی تبدیل شدند. این کشور که خسارت زیادی از حضور ارتش شوروی متحمل شده بود، به مقیاس بسیار وسیع‌تری مورد تخریب خود افغان‌ها واقع شد. برخی سازمان‌های بین‌المللی وضعیت داخلی افغانستان را چنین بیان می‌داشتند: «درحالی‌که بسیاری از مهاجران افغان می‌خواهند به سرزمینشان برگردند، برخی از آنها از بازگشت در وضعیت کنونی وحشت دارند. حملات تحریک‌آمیز، بی‌قانونی و جدال بین اربابان و سردسته‌های رقیب، در برخی مناطق افغانستان رواج گسترده دارد» (یوسف حسن ۲۰۰۰: ۲۹-۲۸).

محصول این مشکلات و منازعات، اقتصادی بی‌رسم، و نیز حیات اجتماعی و اقتصادی کم‌رونق بوده است. این عوامل تاریخی، یعنی دافعه و جاذبه (کشش و رانش) در مورد مهاجرت افغان‌ها به ایران کاملاً مصداق دارد. با این حال به‌تازگی نظاره‌گر چشم‌اندازی مساعدتر در افغانستان هستیم؛ از آنجا که امنیت و بازسازی، عواملی‌اند که قابلیت تشویق بخشی از مهاجران را برای بازگشت به کشورشان دارند، هر گونه بازگشت افغان‌ها به خاک میهنشان، منوط به شرایط رشد عوامل دافعه و جاذبه‌ای است که از ابتدا بر منطق این مهاجرت حکمفرما بوده است. در مورد آنچه به افغانستان مربوط می‌شود، برای اینکه بازگشت مهاجران به کشورشان پایدار باشد، این افراد باید بتوانند در وطن خود امنیت لازم را بازیابند. همین‌طور جامعه جهانی باید به این کشور توجه ویژه و درازمدتی داشته باشد، و به بازسازی خرابی‌های جنگ در افغانستان مساعدت بنخشد (به‌ویژه رک: موضع کمیساری پناهندگان سازمان ملل در مقاله «افغانستان، بیست‌ویک سال بعد: تراژدی مردمی که در فراموشی فرو رفته‌اند»، یوسف حسن، ۲۰۰۰: ۲۸).

تشویق مهاجران افغان به بازگشت از ایران، باید به‌دنبال تحلیلی از انگیزه‌های مهاجرت و استقرار آنها در خاک این کشور، و نیز موقعیت کنونی آنان در ایران صورت گیرد؛ همچنین با مطالعه ظرفیت پیوستن دوباره مهاجران افغان و جذب ایشان در جامعه افغان. می‌توان نتیجه گرفت که در حال حاضر فوری‌ترین مسئله‌ای که باید در این مورد حل شود، مسئله امنیت افغانستان است. نظر کمیسر عالی سازمان ملل در امور پناهندگان در این باره چنین است: «امنیت تنها شرط بازگشت افغان‌ها به کشورشان نیست، بلکه بازگشت آنان به افغانستان هم، اگر قرین موفقیت باشد، به نوبه خود به ایجاد امنیت در این کشور کمک خواهد کرد». با وجود این، در حال حاضر هنوز هم مشکلاتی در مسئله ثبات این کشور وجود دارد. به همین سبب عموم مهاجران و پناهندگان ترجیح می‌دهند به مراکز شهری بازگردند، چراکه در آنجا امید به

یافتن حداقلی از امنیت برایشان وجود دارد؛ علاوه بر اینکه پیدا کردن کار در شهرها راحت تر از مناطق دیگر است.

باید در نظر داشت کسانی که به کشورشان بازمی گردند، معمولاً مهاجران تازه واردند، و نه آنهایی که مدت‌هاست بنای زندگی نوینی را در پاکستان یا ایران نهاده‌اند (شیپو، فرانسواز مقاله «بسیاری از پناهندگان افغان به موطنشان بازمی گردند»، لوموند، ۲۰۰۲: ۱۴ آوریل).

علت اینکه ضرباهنگ بازگشت مهاجران به افغانستان از ایران بسیار کندتر از پاکستان است، این است که مهاجران افغانستانی در ایران کار یافته‌اند، در حالی که در پاکستان، شمار زیادی از ایشان با وضع تقریباً فقیرانه در اردوگاه‌های (کمپ‌ها) پناهندگان زندگی می‌کنند، و فرصتی برای اشتغال در جامعه پاکستان ندارند (آمار، مطابق گزارش مارک مِموت^۲ در افغانستان، در مطلبی با عنوان «بازگشت پناهندگان امیدی فوری به وجود می‌آورد»، منتشر شده به تاریخ ۲۲ آوریل ۲۰۰۲ در یو. اس. ای تودی U.S.A. today's).

اما برای اینکه مهاجران قدیمی‌تر افغان به کشورشان بازگردند، باید بازسازی افغانستان شتاب بیشتری بگیرد، همین‌طور نهادهایی مورد پذیرش همه مردم افغانستان در این کشور پدید آید، تا بتوانند منازعات میان گروه‌های گوناگون را به‌راستی پایان بخشند. در نهایت باید مساعدت اساسی به دهقانان افغان به عمل آید، تا ایشان دام و مزرعه خودشان را تجدید حیات بخشند، و مساعدت شوند تا بتوانند گیاهان دیگری به‌جز خشخاش در خاک خود بکارند.

۴. نسل دوم مهاجران افغان در ایران و وضعیت کنونی جامعه افغانستان

داده‌ها حاصل بررسی نمونه‌ای «مهاجرت، استراتژی‌های معیشتی، شبکه اجتماعی و آینده‌نگری مهاجران افغانی در ایران» است. این طرح با همکاری دانشگاه تهران و مرکز ارزیابی تحقیقات افغانستان^۳ در سه شهر تهران، مشهد و زاهدان در سال ۱۳۸۴ انجام گرفته است. (عباسی و دیگران a و b ۲۰۰۵؛ جمشیدی‌ها و دیگران ۱۳۸۱؛ جمشیدی‌ها و دیگران ۱۳۸۳: ۶۸-۴۳). جمشیدی‌ها، غلام رضا و دیگران ۱۳۸۱ در این طرح، علاوه بر متغیرهای اقتصادی و اجتماعی متعارف، از وضعیت زندگی افراد در افغانستان (قبل از مهاجرت)، نحوه استقرار در ایران، استراتژی معیشتی در ایران، مشارکت در شبکه‌های اجتماعی، تصمیم‌گیری در مورد بازگشت یا عدم بازگشت، و استراتژی معیشتی آتی در افغانستان نیز پرس‌وجو شده است. این پژوهش‌ها به مسائل زیر اشاره دارند: مهاجرت افغان‌ها به ایران اغلب ناشی از وضعیت نامناسب آنان در افغانستان بوده است.

1. Lemonde, UNOCHA 30 Avril 2002.

2. Mark Memmott

3. Afghanistan Research and Evaluation Unit (AREU)

آموزش و تحصیلات: وضعیت مهاجران افغانی در ایران، از نظر آموزش و تحصیلات، به مراتب بهتر از همتایان آنها در افغانستان بوده است. نسل دوم افغان‌ها (متولدین ایران)، در مقایسه با نسل اول، دارای تحصیلات بالاتر و بی‌سوادی کمتری هستند. علاوه بر آن، هیچ تفاوت جنسیتی در آموزش برای آنها وجود نداشته است.

نسل دوم افغان‌ها (متولدین ایران)، در مقایسه با نسل اول، کمتر به‌عنوان کارگر ساده فعالیت داشتند. در عوض، تمرکز آنها در مشاغل فنی، نسبت به والدین خود، بیشتر بود. بهره‌مندی بیشتر آنها از امکانات رفاهی و آموزشی، و تحصیلات بالاتر در تقویت مهارت‌ها و فنون شغلی این دسته از مهاجران مؤثر بوده است. یکی از منابع تحقیق، طرح آمایش است که در سال ۱۳۸۴ در مورد افغان‌های ساکن در ایران اجرا شده است.

ضمن اینکه بسیاری از این مشاغل، مانند نیروی کار ساده در بخش ساخت‌وساز، مزارع، دامداری و مرغداری‌ها، کمتر مورد توجه نیروی کار ایرانی بوده است، این محدودیت‌ها و موانع موجب انطباق جمعیت افغانی با طبقات اقتصادی و اجتماعی بسیار پایین جامعه ایران شده است (عباسی و همکاران، ۱۳۸۴: ۲۰۰۵b، ۲۰۰۵a، Abbasi et al., 2005a, 2005b). این پدیده در ادبیات مهاجران به‌عنوان «همانند شدن رو به پایین» تعبیر شده است (پورتز^۱ و رامباوت، ۲۰۰۱: ۶۳).

تعلق به جامعه مقصد: میزان تعلق مهاجران به جامعه مقصد می‌تواند نمایانگر درجه انطباق و ادغام آنها با اکثریت جامعه مقصد باشد. این تعلق با توجه به متغیرهایی مانند میزان ارتباط با افراد در جامعه اکثریت، میزان رضایت از زندگی در مقصد و تمایل به بازگشت به مبدأ مورد سنجش قرار می‌گیرد. به‌طور ساده، هرچه تعامل مهاجران با جامعه مقصد (رضایت بیشتر، ارتباط بیشتر و تمایل کمتر برای بازگشت) بیشتر باشد، انطباق آنها با اکثریت جامعه قوی‌تر خواهد بود.

ارتباط با ایرانیان برای افرادی که تحصیلات بالاتری داشتند، در مقایسه با افراد دارای تحصیلات کمتر، به‌صورت معناداری بیشتر بوده است.

مهاجران افغانی ساکن در زاهدان، ارتباط بیشتری را با ایرانیان تجربه کرده بودند، درحالی‌که افغان‌های ساکن تهران از حداقل تعامل با ایرانیان برخوردار بودند. این تفاوت می‌تواند تا حد زیادی، به ویژگی‌های این مهاجران و وضعیت جامعه مقصد نسبت داده شود.

طول دوره اقامت در ایران با تمایل به بازگشت رابطه منفی داشته است.

معرف‌های تعلق به جامعه مقصد در مورد مهاجران افغانی حکایت از آن دارند که آنها در مجموع، ایران را برای زندگی مناسب‌تر از افغانستان می‌دانند. این نگاه مثبت، با روابط بیشتر با

1. Portes.

ایرانی‌ها، مدت اقامت طولانی‌تر در ایران، تحصیلات بالاتر و داشتن موقعیت بهتر اقتصادی در ایران، هماهنگ بوده است.

تأثیر عمده وضعیت اقتصادی در تمایل به بازگشت افغان‌ها نشان می‌دهد که ورای تمامی عوامل دخیل، مانند افزایش تحصیلات و اقامت طولانی‌مدت، آنچه مهاجران را به ماندن یا رفتن تشویق می‌کند، امنیت اقتصادی است. امنیتی که هرچند متأثر از عواملی مانند تحصیلات، اقامت و روابط باشد، عمدتاً از طریق فعالیت اقتصادی (داشتن شغل و درآمد) حاصل می‌شود (محمودیان، ۱۳۸۶: ۶۵-۴۲).

نسبت جمعیت مهاجران خارجی و به‌ویژه مهاجران افغانی به جمعیت ایران در طول سال‌های مختلف در نوسان بوده است، به طوری که در سرشماری‌های سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ این نسبت به ترتیب برابر ۱/۵ و ۱/۴ بوده است، درحالی که این نسبت در سال ۱۳۸۰ افزایش چشمگیری داشته و به ۳/۵ درصد رسیده است (احمدی موحد، ۱۳۸۲: ۴۴-۴۳).

وضعیت اشتغال مهاجران، همواره از مسائل مهم و جنجال‌برانگیز برای جامعه میزبان بوده است. تأثیرات میزان اشتغال و بیکاری بر انحرافات اجتماعی و مسائل اقتصادی همواره مشاهده شده است. دلیل مهاجرت بسیاری از مهاجران نه نابسامانی‌های سیاسی - اجتماعی در افغانستان، بلکه انگیزه اقتصادی بوده است.

براساس آمار به‌دست‌آمده، بیشترین مهاجران با حدود ۷۷ درصد در بخش خدمات مشغول به کار هستند.

براساس آمار اخذشده، اکثر قریب به اتفاق مهاجران خارجی، از ساختمان و املاک مسکونی به صورت اجاره‌ای استفاده می‌کنند.

دکتر البرت بغوزیان، اقتصاددان و استاد دانشگاه تهران در این باره می‌گوید: «به بحث ورود اتباع غیرقانونی باید از دو منظر نگریست. این نیروی انسانی، ارزان‌قیمت، پرتلاش و جدی است و از سویی به سبب پایین بودن امنیت شغلی هر شرایطی را می‌پذیرد و جایگزین خوب و ارزان‌تری نسبت به کارگران وطنی شده است و بنگاه‌های اقتصادی کوچک و بزرگ برای کاهش هزینه‌هایشان به دنبال استفاده از این قشرند.

اما در بحث کلان اقتصادی کارگران ایرانی پس از دریافت حقوق آن را در همین کشور خرج می‌کنند و این پول در اقتصاد کشور گردش می‌کند و به نوعی اقتصاد رونق می‌گیرد، ولی کارگران اتباع بیگانه پولشان را به دلار یا ارز کشور خودشان تبدیل کرده و از ایران خارج می‌کنند. گذشته از اینکه سرمایه از کشور خارج می‌شود، تقاضای ارز خارجی هم افزایش پیدا می‌کند که آن هم به نوبه خود به اقتصاد کشور لطمه وارد می‌کند».

دکتر بغوزیان با اشاره به فعالیت کارگران ارزان‌قیمت در کارخانه‌های گوناگون و بنگاه‌های اقتصادی، عقیده دارد: «استفادهٔ بیش از حد این کارگران، فرصت شغلی برای نیروی کار ایرانی را کاهش می‌دهد البته تحقیقات نشان می‌دهد کارخانه‌داران به خاطر جدیت و پایین بودن سطح توقع کارگران افغانی تمایل بسیاری برای به خدمت گرفتن آنها دارند» (ایران ۹ خرداد ۹۴، ص ۹).

میزان تحصیلات مهاجران خارجی: یکی از نتایج بسیار ارزشمند اقامت در ایران برای مهاجران خارجی به‌ویژه مهاجران افغانی، استفاده از امکانات تحصیلی ایران است که موجب ارتقای سطح تحصیلات فرزندان آنها شده است و به گفتهٔ خود مهاجران افغانی حضور در ایران تأثیر بسزایی در ارتقای سطح تحصیلی فرزندان آنها داشته است. نیز هم‌اکنون ۳۳۰ هزار دانش‌آموز افغان در مقاطع مختلف در ایران تحصیل می‌کنند و ۲ هزار و ۵۰۰ معلم نیز کار تعلیم آنها را بر عهده دارند که با اخبار درج‌شده در مطبوعات با تصمیمات جدید قرار است تعداد دانش‌آموزان افغان برای تحصیل در ایران افزایش یابد.

۵. تنوع جمعیتی افغان‌ها در ایران

مهاجران افغانی نیز همانند کشور خود از گروه‌های قومی متنوعی‌اند. براساس آمار موجود تاجیک‌ها با ۲۰/۲۲ درصد بیشترین سهم را به خود اختصاص داده‌اند. پس از آن هزاره‌ها با ۱۸/۶۶ درصد در مرتبهٔ دوم قرار دارند. پس از این دو، پشتوها با ۶/۶۳ درصد در مراتب بعدی قرار می‌گیرند و سایر نیز با ۵۰/۴۵ درصد، حدود نیمی از مهاجران در ایران را به خود اختصاص داده‌اند.

۵.۱. نحوهٔ ورود به ایران

نحوهٔ ورود مهاجران خارجی: مهاجران خارجی به انحاء مختلف وارد ایران شده‌اند. آمار اخذشده، نشان می‌دهد که بیشتر مهاجران، یعنی ۹۳/۱۲ درصد آنان به‌طور غیرقانونی از مرزهای کشور خودشان وارد ایران شده‌اند.

ایران میزبان مهاجرانی است که اکثریت شایان توجه آنها به‌طور غیرقانونی و بدون مجوز رسمی وارد ایران شده‌اند که این مسئله مشکلات عدیده‌ای را برای ایران به‌وجود آورده است.

۵.۲. بالا رفتن نرخ جرائم اتباع غیرمجاز

برخی دیدگاه‌ها اظهار می‌دارند: وقتی مهاجران غیرقانونی برای گرفتن مجوز اقامت مراجعه نمی‌کنند، به هیچ صورت نمی‌توان آنها را شناسایی کرد و در صورت ارتکاب جرم تحت تعقیب قرار داد. هم‌اکنون خلأهای قانونی و نبود نظارت بر اتباع غیرمجاز مشکلات اجتماعی را بسیاری به‌وجود آورده است. بیشتر اتباعی که به اتهامات مختلف دستگیر می‌شوند، جزو

کسانی هستند که غیرقانونی وارد کشور شده‌اند و گروه تبهکاری تشکیل داده‌اند. براساس اظهارنظر پلیس ایران حدود ۱۳ درصد از قتل‌های عمد را اتباع خارجی در ایران مرتکب می‌شوند (زهر صابری، روزنامه مردم‌سالاری، ۲۱ مهر ۱۳۸۹).

کودکان کار: ۶۹ درصد کودکان کار در ایران به جامعه مهاجران با منشأ غیرایرانی تعلق

دارند و تبعات آینده آن نگران‌کننده است (ایمانی و همکاران، ۱۳۹۶).

در صورت توجه به آموزش و بهداشت در نگهداری کودکان کار، در آینده این کودکان به مردان و زنان موفق تبدیل خواهند شد.

۵.۳. تمایل و عدم تمایل به بازگشت

مهاجران خارجی در ایران نظرهای مختلفی درباره ماندگاری یا بازگشت دارند. براساس آمار اخذشده و با توجه به استان‌هایی که اطلاعات آنها در دست است، ۴۷/۸ درصد مهاجران کل کشور، تمایلی به بازگشت به کشورشان ندارند که دلایل متعددی را می‌توان برای آن برشمرد، از جمله خو گرفتن با محیط ایران، ادامه تحصیل در ایران، داشتن همسر ایرانی، نبود امکانات و موقعیت زندگی در افغانستان.

در مرتبه دوم، ۲۹/۳۶ درصد مهاجران کل کشور برای بازگشت به کشورشان اظهار تمایل کرده‌اند، گروهی از افراد پس از ترک وطن و اقامت در جای دیگر، با گذشت ایام تمایل پیدا می‌کنند به زادگاه و وطن خویش بازگردند، زیرا به آن احساس تعلق بیشتری می‌کنند. در مرتبه سوم، ۱۳/۴۸ درصد از مهاجران کل کشور تمایل خود را به بازگشت به کشورشان یا کشوری ثالث اظهار داشته‌اند و سرانجام ۹/۳۷ درصد مهاجران کل کشور تمایل خود را به رفتن به کشوری ثالث اظهار داشته‌اند.

بیشتر مهاجران ساکن در ایران را مردان تشکیل می‌دهند و این مسئله سبب شده که نسبت جنسی بالا و برعکس بعد خانوار پایین باشد. استان تهران به‌تنهایی حدود یک‌سوم از مهاجران خارجی را در خود جای داده است.

حدود نیمی از مهاجران خارجی تمایلی به بازگشت به کشورشان نداشته‌اند که این مسئله می‌تواند در روند طرح بازگشت به‌ویژه مهاجران افغانی خلل وارد کند.

برخی دیدگاه‌ها اظهار می‌دارند مهاجران خارجی به‌دلیل پایین بودن سطح سواد و نداشتن تخصص مناسب و همچنین ورود غیرقانونی و بدون قاعده آنها و اشغال بسیاری از فرصت‌های شغلی، نمی‌توانند برای کشور مقصد یعنی ایران مفید باشند و ایران به‌دلیل مسائل بشردوستانه و مسلمان بودن، این مهمانان را پذیرفته و امید است که با ادامه طرح بازگشت، این مهمانان نیز به کشورشان بازگردند و زمینه‌ساز آبادانی کشورشان شوند. در عین حال شایان ذکر

است که یک افغانستانی شاغل در ایران می‌تواند به‌آسانی یک خانواده کامل به‌جای‌مانده در افغانستان را اداره کند و از این‌رو انگیزه‌های اقتصادی قوی برای اقامت در ایران داشته باشد (جانسون، ۱۳۸۰: ۷۱).

در صفحات اولیه به عوامل داخلی، منطقه‌ای و جهانی مهاجرت اشاره شد. در ادامه برحسب شتاب تغییرات به برخی تحولات جدید اشاره می‌شود:

۱. ۳. ۵. عوامل داخلی

افغانستان کشوری است بدون دسترسی به دریا و راه‌های ارتباطی جهان و اقلیمی گسترده که اغلب با کویر یا کوهستان‌های خشن با طبیعتی خشک همراه است. در طول تاریخ کشوری بحران‌زده و همواره درگیر جنگ و مسائل گروهی داخل خود بوده است (پیام، ۱۳۸۰: ۴۳).^۱ هالیدی، استاد امور بین‌الملل دانشگاه L.S.E لندن، ریشه بروز این تنش‌های داخلی را ناشی از دو نیروی قوی می‌داند که یکی به‌دنبال مدرنیزه ساختن کشور بوده است و دیگری در پی حفظ سنت‌ها.

فقر و گرسنگی، بی‌خانمانی و تشدید فلاکت اقتصادی و به‌طور کلی مشکلات اقتصادی و اجتماعی که حاصل ۲۳ سال جنگ داخلی در افغانستان است، از دیگر عوامل بی‌ثباتی اجتماعی و سیاسی در این کشور است. مبارزه با کمبود مواد غذایی که باید در رأس برنامه‌های دولت‌های افغانستان باشد، از دغدغه‌های اصلی و مشکلات بنیانی این کشور است. کمبود یا نبود مواد غذایی و نبود سوخت برای زمستان و بی‌ارزش شدن شدید ارزش پول در افغانستان مشکلات اقتصادی مردم این کشور را تشدید کرده است. نجات مردم از مشکلات اقتصادی و تغذیه، از نیازهای اولیه آنان است.

«فقر بی‌حد مردم و فساد نامحدود قدرت، اوضاع را وخیم‌تر و زمینه را برای تجارت مواد مخدر و تروریسم فراهم کرده است» (محمودی، پروفیسور لطیف اف. جوره، ۱۳۸۸: ۲).

«علاوه‌بر این فقدان پول و اعتبار در کشور برای بازسازی جامعه افغانستان از دیگر مشکلات زیربنایی این کشور است» (همشهری، ۱۹ آذر ۱۳۸۰).

«از مجموع ۱۰ میلیون نیروی کار افغانستان، حدود دو میلیون نفر بیکار هستند» (میلانی، ۲ بهمن ۱۳۸۵).

۱. البته برخی افغان‌ها معتقدند افغانستان دارای آب کافی و خاک مطلوب برای زرع است و در صورت اعتبار مالی کافی و مدیریت کشاورزی مناسب می‌تواند جمعیت زیادی را در بخش کشاورزی شاغل و در خود اسکان دهد.

۲.۳.۵. شرایط منطقه‌ای و جهانی

جمهوری اسلامی ایران از اینکه آمریکا و اروپا در پشت مرزهای شرقی کشور اردو بزنند و دولت جدید سرسپرده آنها باشد، احساس آرامش نمی‌کند. هند، روسیه و جمهوری‌های آسیای مرکزی نیز با نگرانی روند تمرکز قوای آمریکا و اروپا و تأسیس پایگاه نظامی غرب در جوار خود را دنبال می‌کنند. نارضایتی این مجموعه دارای هر دلیلی که باشد، می‌تواند برای ثبات جامعه آینده افغانستان یک «تهدید» تلقی شود (جمهوری اسلامی، ۹ دی ۱۳۸۰).

حکمتیار رهبر ۵۳ ساله حزب اسلامی افغانستان معتقد است

از نظر آمریکا، افغانستان نقطه‌ای استراتژیک است که تسلط بر آن می‌تواند آن کشور را بر آسیای مرکزی و منابع اقتصادی آن مسلط کند.

آمریکایی‌ها می‌خواهند از طریق ایجاد پایگاه نظامی در افغانستان، چین و ایران را تهدید کنند، بر منابع نفت و گاز آسیای میانه چنگ اندازی کنند و امکان تسلط دوباره روس‌ها را بر منطقه از بین ببرند. از نظر وی عوامل تهدیدکننده امنیت حضور اشغالگرانه نیروهای متجاوز و بیگانه است.

آمریکایی‌ها برای اردو زدن پشت دروازه‌های آسیای میانه، کنترل اطلاعاتی قدرت اتمی پاکستان، چین و روسیه، مزاحمت برای جمهوری اسلامی ایران و چنگ اندازی به منابع نفت و گاز منطقه به افغانستان آمده‌اند (جمهوری اسلامی ۱۸ دی ۱۳۸۰).

در گذشته آمریکایی‌ها تلاش داشتند راه را برای ساخت خط لوله عظیم نفت از آسیای مرکزی به افغانستان و پاکستان باز کنند و مدعی اصلی مشارکت در احداث این خط لوله، یک ائتلاف آمریکایی سعودی به نام یونیکال و شرکت‌های نفتی «دلتا» بودند.

چنانکه بارنت روبین^۱ (۲۰۱۳: ۱۲) خاطرنشان کرده، «مهم‌ترین وظیفه متحدان آمریکا عبارت بود از ایجاد امنیت برای راه‌ها و به‌طور بالقوه برای خط لوله نفت و گاز که کشورهای آسیای مرکزی را از طریق پاکستان و نه ایران به بازار بین‌المللی وصل می‌کرد.

خط لوله افغانستان از روز اول می‌توانست روزانه یک میلیون بشکه نفت را پمپاژ کند و این ظرفیت طی چند سال با اتصال به سایر حوزه‌های نفتی آسیای مرکزی می‌توانست روزانه به ۵ میلیون بشکه برسد.

«خطوط لوله» انگیزه پنهان آمریکا برای تحمل برخی گروه‌ها در افغانستان بود.

یونیکال و شریکش دلتا هر عضوی از آمریکایی‌های درگیر عملیات افغان‌ها در طی سال‌های جنگ سرد علیه روس‌ها را که در دسترس بود، به‌عنوان مشاور به‌کار گرفتند.

1. Rubin R. Barnett

فقط یک کشور یعنی ترکمنستان ۲۱ میلیارد مترمکعب گاز دارد، که سومین ذخیره بزرگ گاز در جهان است. همسایه ترکمنستان یعنی ازبکستان نیز مقادیر مشابهی گاز دارد. ذخایر نفت قزاقستان و آذربایجان آنقدر است که «افسانه‌های صنعت» نامیده شده‌اند (کالبدشکافی سیاست آمریکا در افغانستان به روایت C.N.N، جمهوری اسلامی، ۱ و ۳ مرداد ۱۳۸۰).

از جنبه دیگر ریل در حال انجام و احداث راه‌آهن بین ایران و شهر هرات در افغانستان با همکاری مشترک دو کشور این امکان را به افغانستان می‌دهد که راه‌های جدیدی برای ارتباط به دیگر کشورها و دریای آزاد داشته باشد. از طریق راه‌آهن ایران افغانستان می‌تواند به بنادر جنوبی ایران در حاشیه خلیج فارس دسترسی داشته باشد و نیز راه ارتباطی به اروپا برای صادرات از طریق راه‌آهن ایران داشته باشد که از جمله آن می‌توان صادرات سنگ‌های معدنی متنوع را نام برد. تمامی عوامل مطرح شده می‌تواند تحولات داخلی افغانستان و منطقه را تحت تأثیر قرار دهد و نیز در امر مسئله ماندن یا بازگشت مهاجران تأثیرگذار باشد.

۳.۳.۵. مسئله کشت تریاک در افغانستان

از عوامل منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیرگذار در چگونگی و وضعیت مهاجرت افغان‌ها، مسئله کشت خشخاش است. در اوایل دهه ۱۹۹۰ کشت خشخاش در افغانستان گسترش یافت. خشخاش محصولی است که حتی در مناطق کم‌آب به راحتی رشد می‌کند و درآمد آن ۲۵ برابر کشت گندم، برنج و پنبه است.

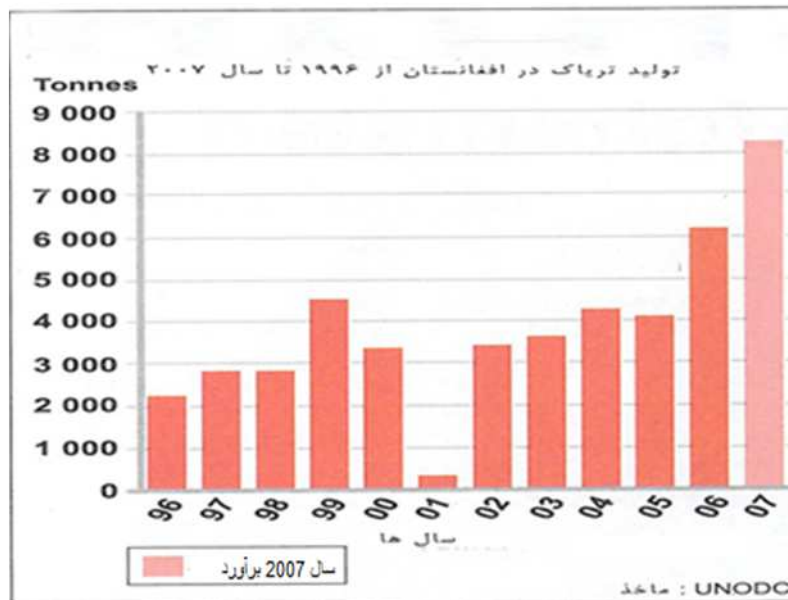
«رهبران سابق گروه‌ها شغل خود را عوض کرده و اکنون به تاجران مواد مخدر و رؤسای محلی تبدیل شده‌اند» (محمودی مرتضی و لطیف اف و جوره ۱۳۸۸: ۲).

در مورد مهاجرت افغان‌ها و جرم حمل مواد مخدر نیز می‌توان گفت دره‌ها و بلندی‌های کوه‌های هزار مسجد در افغانستان شاهد عبور افغانه‌ای بود که تنها برای چند دلار تریاک به دوش می‌بردند و حسن ایوب ۳۸ ساله اهل افغانستان می‌گفت: سالی دو بار حداقل از این راه عبور می‌کرد و بین ۳۰ تا ۸۰ پوند تریاک را به وسیله کوله‌پشتی حمل می‌کرد و امروز در زندان مشهد است (پیام، پژواک ایران: آبان ۱۳۸۰).

اگرچه ناامنی، فقر، بیکاری و نامساعد بودن وضعیت اقتصادی از جمله عوامل اصلی مهاجرت افغان‌ها در طول سالیان به ایران بوده است، در این میان برخی با احترام به قوانین کشور و رعایت مقررات مقیم شدند، ولی عده‌ای از مهاجران نیز زندگی مخفیانه و کار قاچاق را ترجیح دادند.

براساس برآوردهایی که سال ۱۳۸۱ ستاد مبارزه با مواد مخدر اعلام کرده است، هزینه‌ای که دولت و مردم ایران در راه مبارزه با مواد مخدر می‌پردازند، چیزی بیش از ۱۴ هزار میلیارد

تومان است. این مبلغ جدای از تأثیرات شدید اجتماعی و فرهنگی است که بر کشور می‌گذارد. اعتیاد سالانه ۱۵ هزار میلیارد تومان خسارت به کشور وارد می‌کند (رسالت، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۲).



UNODOC دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرائم سازمان ملل ۲۰۰۶:

Chiffres issus de L'Afghanistan opium survey menee par L'UNODOC en septembre 2006

البته ضربه زدن به اقتصاد کشور از سوی قاچاقچیان مواد مخدر به عدد اعلام شده محدود نمی‌شود، به همه این هزینه‌ها باید هزینه از هم پاشیده شدن کانون خانواده‌ها و تهدید سلامت جامعه را هم اضافه کرد.

وزیر کشور، رحمانی فضلی، خبر داد گردش مالی قاچاقچیان مواد مخدر در ایران اساس اقتصاد ایران را به لرزه درآورده است. آنها سالی سه میلیارد دلار معادل ۱۰ هزار میلیارد تومان درآمد به جیب می‌زنند. ایشان نکته دیگری را هم گوشزد می‌کند: «گردش مالی مواد مخدر، سیستم اداری، قضایی، بورس، خرید و فروش و فرهنگ را فاسد و یک کشور را دچار آسیب می‌کند» (ایران، شنبه آذر ۱۳۹۳).

«در این مورد اغلب مردم افغان معتقدند که باید دولت افغانستان راه و روش جدیدی را برای پیشرفت افغانستان پیدا کند؛ راهی که بتواند کشور را به ثبات و صلح و آرامش برساند و قادر باشد که اقتصاد کشور را از اقتصادی بر پایه مواد مخدر، که در حال حاضر نصف تولید ناخالص داخلی کشور افغانستان را تشکیل می‌دهد، خارج سازد تا شاید چنین روندی

شهروندان افغانستانی را به صورت شایسته اداره کند. آینده افغانستان برای کشورهای که نفع و ضرر آنها با اوضاع داخلی افغانستان پیوند دارد، مهم است» (محمودی و لطیف اف. دوره ۱۳۸۸: ۴). با توجه به شرایط متغیر و تأثیرگذار عوامل داخلی، منطقه‌ای و جهانی بر امور افغانستان، در پژوهش‌های انجام‌یافته کوشش شده برخی از این تأثیرات بر فرد مهاجر افغان در ایران و پیامد آن، تصمیم‌گیری آن بر ماندن یا بازگشت به کشور افغانستان سنجیده شود. همچنین ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی افغان‌ها در ایران بر ماندن یا بازگشت مهاجران به افغانستان بررسی گردد.

بعضی مطالعات بیشتر بر موضوع بازگشت مهاجران متمرکز بوده‌اند. جمشیدی‌ها و علی‌بابایی (۱۳۸۱) در مطالعه خود در مورد عوامل مؤثر بر بازگشت اختیاری پناهندگان افغانی در گلشهر مشهد، نگرش‌های متفاوت افغان‌ها در مورد بازگشت را منعکس کرده‌اند. تمایل افغان‌ها برای بازگشت با توجه به شرایط زمان تحقیق، برحسب محل سکونت در افغانستان و ساکنان روستاها (به علت سختی و نبود امنیت در مناطق روستایی کمتر مایل به بازگشت بودند)، جنسیت (تمایل کمتر زنان برای بازگشت)، تحصیلات (تمایل کمتر افراد تحصیل‌کرده) و امنیت شغلی و اقتصادی (تمایل کمتر برای افراد با وضعیت اقتصادی بهبودیافته و بهتر) متفاوت بود (جمشیدی‌ها، ۱۳۸۱: ۳۴). در مطالعه‌ای دیگر در مورد بازگشت پناهندگان افغانی (جمشیدی‌ها، ۱۳۸۳: ۲۱) ارتباط مستقیمی میان وابستگی اقتصادی و اجتماعی مهاجران افغانی به ایران و انگیزه ضعیف آنها برای بازگشت منعکس شده است.

در اینجا به نظر چند جوان مهاجر غیرقانونی افغان در مورد انگیزه آمدن به ایران اشاره می‌شود:

جمعه گل عبدالله: ناچار بودم، کشورمان در حال جنگ است و در آنجا از کار و درآمد خبری نیست.

خال محمد: اکثر زمین‌های کشاورزی ما بر اثر جنگ بدون کشت باقی مانده است. اکثر زمین‌ها به کشت تریاک اختصاص داده شده و ما برای امرار معاش ناچار به مهاجرت به دیگر کشورها هستیم. عبور مرز ایران بسیار راحت‌تر از عبور از مرز سایر کشورهای همسایه است. ذکر: پول دریافتی حاصل از کار در ایران بسیار بالاتر از پول رایج در افغانستان است و در عین حال معتقد است که پول ایران در مقایسه با پول کشورهای همجوار دیگر با ارزش‌تر است. مقوله دیگری که افغانی‌ها به واسطه آن بیشتر به ایران مهاجرت می‌کنند، امنیت است. آنها ایران را کشوری امن می‌دانند و در ایران احساس راحتی می‌کنند.

محمد نوری: امنیت در ایران نسبت به سایر کشورها بیشتر است. ضمن اینکه ما هر وقت بخواهیم می‌توانیم به افغانستان برویم و به صورت غیرقانونی به ایران برگردیم و در این راه

موانع چندانی نداریم. فقط یک پاسگاه مرزی در این بین است که در موقع رفتن به کشورمان از این پاسگاه رد می‌شویم و در موقع برگشت از طریق بیراهه به ایران برمی‌گردیم. (کلین شریف دینی، ۱۳۷۹: ۲۴).

از جوانی حدود ۱۸ ساله، خبرگزار می‌پرسد خودت خواستی برگردی افغانستان؟ می‌گوید آری، تا حالا چهار بار به ایران آمده‌ام و هر بار مدتی کار کرده‌ام و برگشته‌ام، می‌پرسم اوراق شناسایی آمایش را داری؟ جواب می‌دهد: نه. خبرگزار می‌پرسد چرا به افغانستان برمی‌گردی؟ می‌گوید: چون آنجا وطنم است و خانواده‌ام هنوز آنجا هستند. خبرگزار می‌پرسد: پس چرا چهار بار به ایران آمدی، می‌گوید برای کار و پول درآوردن. می‌پرسم چطور هر بار از مرز رد شدی؟ مگر پاسپورت داری؟ جواب می‌دهد: پاسپورت ندارم و سکوت می‌کند. دوستش به میانه صحبت‌مان می‌دود و می‌گوید من کسانی را می‌شناسم که افغانی‌ها می‌توانند با پرداخت ۵۰۰ تا ۷۰۰ هزار تومان تا سه بار به صورت قاچاقی با آنان به ایران بیایند. می‌پرسم یعنی چی؟ جواب می‌دهد: یعنی اگر دو بار لب مرز دستگیر و بازگردانده شدی یک‌بار دیگر فرصت داری که با قاچاقچیان انسان به ایران بازگردی و پولت محفوظ است.

سلیم از کسانی است که دو ماه است به تهران آمده و پس از ۱۰ روز سفر پرافت‌وخیز خودش را به تهران رسانده است.

«سلیم از مهاجران غیرقانونی است که در ساختمان در حال ساختی کارگری می‌کند. درباره اینکه چگونه وارد ایران شده خبرگزار می‌پرسد و او جواب می‌دهد: از شهرمان تا نيمروز مسافت زیادی نیست ولی از آنجا تا وارد ایران بشویم یک هفته‌ای طول کشید. هوا سرد بود و به‌خاطر اینکه مرزبانان ایرانی ما را نبینند، روزها در شیار کوه‌ها پنهان شدیم و شب‌ها راه رفتیم. خیلی سخت بود؛ با چند تکه نان و چند لیتر آب یک هفته گذراندم تا برسیم به جایی که قاچاق‌برها بودند. وقتی رسیدیم به محل قرار (در مرز) به قاچاقچی‌ای که ما را آورده بود، هر نفر ۵۰۰ هزار تومان دادیم، در ادامه راننده ۲ ساعت می‌رفت و چند ساعت در بیابان توقف می‌کرد تا پلیس شک نکند. بالأخره بعد از ۲ روز رسیدیم به باغی نزدیکی ورامین. نفری یک میلیون به راننده دادیم و چند روز در باغ ماندیم تا اینکه دوست و فامیل‌ها دنبلمان آمدند» (ایران ۹ خرداد ۱۳۹۴: ۹).

* عبدالرضا رحمانی فضل‌ی، وزیر کشور این مقام می‌افزاید: «اتباعی که به شکل غیرمجاز وارد کشورمان می‌شوند در کمترین زمان هموطنان خود را هر کجا که باشند پیدا می‌کنند و حاشیه امنیتی برای خود می‌یابند. وی در می‌گوید: روزانه ۲۰۰۰ تبعه افغانی به‌عنوان مهاجر غیرمجاز به کشورشان بازگردانده می‌شوند، درحالی‌که روزانه ۱۵۰۰ تا ۱۷۰۰ مهاجر غیرقانونی از مرزها می‌گذرند و پا به خاک ایران می‌گذارند (جام جم، آبان ۱۳۹۴: ۱۳).

۴.۵. بازگشت مجدد مهاجران افغان

حکایت پسر ۱۸ ساله که چهار بار بدون پاسپورت به ایران آمده است، من را یاد عبارت «بازگشت مجدد مهاجران افغانی می‌اندازد که این چند سال مرتب از مجاری رسمی و غیررسمی می‌شنویم، پناه‌جویانی که به اجبار یا داوطلب از ایران به افغانستان اعزام می‌شوند و کارت آمایش آنها را تحویل نمی‌دهند و در بازگشت معکوس با استفاده از مجاری غیرقانونی و کمک قاچاقچیان انسان به ایران برای کار، زندگی و کسب درآمد بازمی‌گردند، چراکه آنان فکر می‌کنند وطنشان هنوز درگیر نابسامانی‌های باقیمانده از جنگ چند دهه است و امنیت و وضعیت اقتصادی هنوز سامان نیافته است» (خبرگزاری مهر، اسفند ۱۳۹۲).

مهاجرت افغان‌ها به ایران، تغییراتی را در ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی آنها به وجود آورده است.

از نظر وضعیت اقتصادی و اجتماعی، بیشترین بهره‌مندی در حوزه آموزش بوده است. فاصله مهاجران افغانی، از نظر آموزش و تحصیلات، با هموعان در افغانستان، در مقایسه با هر متغیر اقتصادی و اجتماعی دیگر، بیشتر است. این بهره‌مندی حتی تفاوت جنسیتی در آموزش در میان مهاجران افغانی در ایران را به حداقل رسانده است. استفاده از آموزش رایگان در ایران، این فرصت طلایی را برای مهاجران ایجاد کرده است. همچنین استفاده از امکانات و تسهیلات رفاهی و بهداشتی در ایران، وضعیت مهاجران افغانی در ایران را از نظر مرگ‌ومیر و اختلال در سلامت بهبود بخشیده است.

وضعیت اقتصادی و اجتماعی نسل دوم مهاجران افغانی (متولد در ایران)، که مراحل اساسی اجتماعی شدن را در جامعه مقصد تجربه کرده بودند، در مقایسه با والدین آنها، به مراتب بهتر و نزدیک‌تر به اکثریت جامعه مقصد بوده است.

از سوی دیگر، افرادی که از وضعیت اقتصادی خود در ایران رضایت بیشتری داشتند، تمایل کمتری برای بازگشت داشتند، اما، با ساختار کلی جامعه ایران کمتر همانند شدند. بنابراین تمایل به ماندن یا نماندن مهاجر افغانی در ایران، بیش از هر چیز، به امنیت اقتصادی وابسته بود که او می‌توانست در مقابل شرایط بسیار سخت اقتصادی جامعه مبدأ (افغانستان)، در ایران به دست بیاورد.

رویکرد دولت و جامعه ایران به مهاجران، در جهت‌گیری وضعیت افغان‌ها در ایران مؤثر بوده است. رویکرد خوش‌بینانه ابتدا مزایای مهمی را برای مهاجران اولیه به وجود آورد و بسیاری از آنها از امکانات موجود در جهت تقویت خود (افزایش تحصیلات، مهارت‌ها و کیفیت زندگی) استفاده کردند. تغییر رویکرد خوش‌بینانه و مهمان‌نوازانه به اجبار به بازگشت به افغانستان، که با نگرش متفاوت به وجود آمده همراه شده است. ادامه زندگی مهاجران

افغانستانی در ایران را در وضعیت کمتر مناسبی قرار داده و آسیب‌پذیری مهاجران (به‌خصوص مهاجران با توان اقتصادی ضعیف) را افزایش داده است.

با توجه به موقعیت مهاجران افغانی در ایران، امکان ارتقا و تقویت انطباق آنها با جامعه ایران بسیار ضعیف شده است. به‌طور متقابل، شرایط سخت زندگی در افغانستان، تمکین و پذیرش رویکرد در حاشیه بودن را برای مهاجران به ارمغان آورده است؛ تمکینی که خود همانندی مهاجران با طبقات خیلی پایین جامعه (اغلب حاشیه‌نشینان ایرانی) را تقویت می‌کند. تداوم این همانندی رو به پایین که می‌تواند در خلال نسل‌ها به‌صورت گسترده‌تری بازتولید شود، تقویت حاشیه‌نشینی را به‌همراه دارد و احتمال ناهنجاری‌ها و کجروی‌های اجتماعی را افزایش می‌دهد. علاوه‌بر آن احساس عدم پیشرفت و ارتقای مهاجران ممکن است سرمایه اجتماعی به‌دست‌آمده را کاملاً در جهت عکس آن، برای تخریب جامعه مقصد به‌کار گیرد. بنابراین، در شرایطی که بازگشت کامل مهاجران به کشور خود در کوتاه‌مدت دشوار یا غیرعملی باشد، به حاشیه راندن آنها تبعات نامناسب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را به‌همراه خواهد آورد (محمودیان، ۱۳۸۶: ۴۲).

براساس برخی دیدگاه‌ها پذیرایی طولانی میلیون‌ها مهاجر افغان در ایران و اجازه کار به آنها، از افغان‌های مهاجر کشورشان، نیروهایی متخصص ساخته است که با بازگشت آنها به کشورشان، سرمایه پرارزشی از دانش فنی به افغانستان منتقل خواهد شد. خدمات بهداشتی که ایران در طول سال‌ها به مهاجران افغان مقیم داد، از مهاجران نسلی سالم ساخته است، امری که متأسفانه در داخل افغانستان اینک حتی ابتدایی‌ترین شکل آن وجود ندارد. مردم افغانستان از یاد نخواهند برد که ایران در بدترین شرایط اقتصادی خود میلیون‌ها کودک مهاجر افغان و حتی کودکان داخل افغانستان را در بحرانی‌ترین شرایط تحمیل‌شده بر این کشور، علیه بیماری‌های شایع و پرخطر، بدون یاری هیچ کشور یا نهاد جهانی مایه‌کوبی کرد (جمهوری اسلامی، ۱۶/۱۰/۸۸).

گفته می‌شود خدمات آموزشی که ایران در طول سال‌ها در اختیار فرزندان افغانی‌های مقیم قرار داد، موجب شده است تا برخلاف داخل این کشور که طی سال‌ها جمعیت بزرگی از اتباع آن از ابتدایی‌ترین خدمات آموزشی محروم ماندند و زنان (نیمی از جمعیت کشور) هیچ‌گونه امکان دسترسی به خدمات آموزشی را نداشتند، نسلی تحصیل‌کرده در بین مهاجران افغان در ایران ساخته شود که بی‌شک در سازندگی کشور خود نقشی مهم خواهند داشت. از طرف دیگر، امنیت اجتماعی به‌سبب جنگ‌های داخلی از زندگی این مردم رخت بر بسته است و این نیز در دامن زدن به مهاجرت مؤثر است.

تردهای غیرقانونی، اشتغال غیرقانونی، اقامت‌های غیرقانونی و ازدواج‌های غیرقانونی رو به افزایش است. همچنین با توجه به اجرای طرح‌های متعدد به‌منظور اخراج مهاجران

غیرقانونی و صرف هزینه‌های زیاد، نه تنها از حجم آنها کاسته نشده، بلکه جمعیت بعضی شهرها، شهرک‌ها، روستاها و غیره افزایش می‌یابد (احمدی موحد، ۱۳۸۲: ۴۴-۴۳).

برخی دیدگاه‌ها اظهار می‌دارند شاهد واردات بی‌رویه نیروی کار هستیم، به نوعی که در هر گوشه و کناری کارگری خارجی فرصت‌های شغلی را از آن خود کرده و تأسف‌آورتر اینکه، شاهد برخورد جدی با این واردات غیرقانونی نیستیم.

به‌خصوص اینکه نرخ بیکاری فعلی ایران ۱۴ درصد است (روزنامه مردم‌سالاری، ۲۱ مهر ۱۳۸۹). صندوق بین‌المللی پول با رده‌بندی کشورها از نظر نرخ بیکاری در سال ۲۰۱۳ اعلام کرد ایران با نرخ بیکاری ۱۳/۱ درصدی در رتبه ۱۸ جهان قرار گرفته است (روزنامه شرق، ۱۵ آبان ۱۳۹۲: ۴) و کارفرمایان نیز که از نیروی کار مهاجران افغانی استفاده می‌کنند، قوانین کار جامعه ما را در مورد کارگران مهاجر افغانی رعایت نمی‌کنند.

مسعود نیلی استراتژیست اقتصاد ایران و مشاور اقتصادی رئیس‌جمهور معتقد است چالش اساسی امروز ایران برای یک دوره میان‌مدت بیکاری گسترده و توانایی ناکافی برای ایجاد اشتغال پایدار است (اعتماد، ۱۰ مهر ۱۳۹۲: ۵).

محمدعلی موسوی مبارکه -عضو کمیسیون اجتماعی مجلس با اعلام اینکه ما چهار میلیون بیکار ایرانی در کشور داریم و شاهد واردات بی‌رویه نیروی کار هستیم، باید کارگران افغانی از ایران خارج شوند، البته موانعی ایجاد شود که اینها دیگر به ایران بازنگردند، زیرا در گذشته شاهد بودیم که با تلاش وزارت کشور عده بسیاری از افغانی‌ها به کشورشان بازگردانده شدند، اما به‌صورت غیرقانونی به ایران مراجعت کردند.

فردی که به‌صورت غیرقانونی وارد ایران شده است، گذرنامه ندارد، تبعه رسمی نیست و اقامت نیز ندارد. اگر دست به جنایتی بزند و متواری شود، به‌هیچ‌وجه نمی‌توان او را شناسایی کرد، زیرا ورودشان قانونی نبوده و حضورشان نیز قانونی نبوده است (شرفشاهی، ۱۳۸۹: ۷).

اعلام مرکز آمار شاخص‌های عمده نیروی کار در پاییز ۱۳۹۲

شاخص‌های نیروی کار	کل کشور	نقاط شهری	نقاط روستایی
نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال	سه‌م	۲۱/۶	۱۴/۳
نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ سال	سه‌م	۲۰/۸	۱۷/۱

مرکز آمار ایران در گزارش خود، نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال را ۲۱/۶ درصد اعلام کرد.

مأخذ: دنیای اقتصاد ۹۲/۱۰/۱۵ صفحه ۶

نرخ بیکاری بدون احتساب اشتغال ناقص به ۲۵ درصد رسید
حمیدرضا فولادگر، عضو کمیسیون صنایع مجلس شورای اسلامی با اعلام این خبر که نرخ

بیکاری در کشور بدون اشتغال یک‌ساعته یا دوساعته به بیش از ۲۵ درصد می‌رسد، گفت: بیکاری جوانان با اضافه شدن دانشگاهیان فارغ‌التحصیل از مرز ۳۰ درصد نیز عبور کرد (جام جم ۴۰:۹۶/۲/۱۴).

۶. نتیجه‌گیری

در مقایسه با پاکستان، مهاجران افغان در ایران به کار دسترسی بیشتری داشته‌اند. نسل دوم این مهاجران در ایران از نظر تحصیلات و تخصص شغلی نسبت به نسل قبل خود پیشرفت‌هایی داشته‌اند. انگیزه برای بازگشت افغان‌ها به کشورشان در درجه اول امنیت و سپس دسترسی به شغل و کار و درآمد در افغانستان است. توجه ویژه و درازمدت جامعه جهانی به افغانستان به‌منظور بازسازی خرابی‌های جنگ می‌تواند به بازگشت مهاجران کمک کند. مهاجرت غیرقانونی به ایران هنوز به‌طور مستمر وجود دارد. مقامات رسمی ایران مجموع تعداد افغان‌ها در ایران را بیشتر از سه میلیون نفر برآورد کرده‌اند. مهاجرت افغان‌ها به ایران و حضور آنها تابع عوامل جاذبه و دافعه‌ای است که بر امر مهاجرت حاکم است. در امر مهاجران مسئله بهداشت و بیماری و امکان شیوع برخی بیماری‌های آنها به جامعه ایران قابل تأمل است، چون غیرقانونی به ایران آمده‌اند، این بیماری‌ها کنترل‌نشده‌اند. کمک ایران به بازسازی افغانستان و مدیریت واحد در تصمیم‌گیری امور مهاجران افغان و شرایط نظارتی مناسب به‌همراه شناخت پژوهشی مسئله مهاجران و وضع قوانین و اجرای مناسب آن می‌تواند پدیده مهاجرت افغان‌ها به ایران را بهتر مدیریت کند. برخی دیدگاه‌ها ترکیب متنوع جمعیتی افغان‌ها در ایران و نیز حضور غیرقانونی اکثریت به قریب آنها در ایران را که کنترل رسمی کمی در مورد آنها وجود دارد و با توجه به نرخ ۱۴ درصد بیکاری در ایران این مهاجرت را مناسب با شرایط و منافع جامعه ایران به‌خصوص در آینده نمی‌دانند و معتقدند در درازمدت تبعات منفی آن روزبه‌روز آشکارتر خواهد شد. به‌خصوص اینکه شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مساعدتر ایران مشوق این مهاجرت به ایران خواهد بود. نکته دیگر اینکه کارفرمایان نیز که از نیروی کار مهاجران افغانستانی استفاده می‌کنند، برای سود بیشتر خود قوانین کار جامعه ما را در مورد آنها رعایت نمی‌کنند.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. احمدی موحد، محمد (۱۳۸۲). «ویژگی‌های جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی مهاجران خارجی با تأکید بر مهاجران افغانی در ایران»، فصلنامه جمعیت، ش ۴۳-۴۴.
۲. ایمانی، فرانک (وچلک) -متولی جهت کودکان بد سرپرست -سازمان بهزیستی -در مصاحبه با رادیو جمعه شب ۹۴/۵/۱
۳. پیام، امیرمحمد (۱۳۸۰). افغانستان به بلندی قرن دربارهٔ قاچاق مواد مخدر: ماهنامهٔ پژواک ایران.
۴. جانسون کریس (۱۳۸۰). افغانستان کشوری در تاریکی ترجمهٔ دکتر نجله خندق، تهران: آیه.
۵. جمشیدی‌ها، غلامرضا؛ علی‌بابایی یحیی (۱۳۸۱). «بررسی عوامل مؤثر بر بازگشت مهاجران افغانی با تأکید بر ساکنان شهرک گلشهر مشهد»، نامهٔ علوم اجتماعی، ش ۲۰.
۶. جمشیدی‌ها، غلامرضا؛ عنبری، موسی (۱۳۸۳). «تعلقات اجتماعی و اثرات آن بر بازگشت مهاجرین افغانی»، نامهٔ علوم اجتماعی، ش ۲۳، ص ۶۸-۴۳.
۷. جمهوری اسلامی افغانستان در برابر تهدید سلطهٔ بیگانگان ۹ دی ۱۳۸۰ رسالت ۲۱ اردیبهشت ۹۲.
۸. زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۰). مهاجرت، تهران: سمت.
۹. طرح آمایش سال ۱۳۸۴ در مورد افغان‌های ساکن در ایران.
۱۰. شرفشاهی، کورش. ن گاهی به حضور کارگران غیرمجاز افغانی در ایران، مردم‌سالاری ۱۱، ۸۹، ۶.
۱۱. کوئن بروس (۱۳۹۱). مبانی جامعه‌شناسی، ترجمهٔ رضا فاضل، تهران: سمت.
۱۲. گلین شریف دینی، رضا، مهاجرین افغانی در ایران و تبعات اجتماعی آن‌همشهری: ۲۰/۱۱/۷۹
۱۳. گزارشی از ۳ میلیون پناهندهٔ افغان در ایران خبرگزاری مهر - اسفند ۱۳۸۹
۱۴. لهستانی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۷۲). نظریات مهاجرت، شیراز: نوید.
۱۵. محتشم، رضا، غربت سرزمینی شرقی، همشهری: ۲۱ شهریور ۱۳۸۴.
۱۶. محمودی، مرتضی؛ پروفیسور جوهره لطیف اف (۱۳۸۸). «وضعیت افغانستان در آستانهٔ انتخابات ریاست جمهوری و تأثیر آن بر همسایگان»، فصلنامهٔ علمی - پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین‌المللی، سال دوم، ش ۲، دانشکدهٔ علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۱۷. محمودیان حسین (۱۳۸۶). «مهاجرت افغان‌های به ایران: تغییر در ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی و انطباق با جامعهٔ مقصد»، فصلنامهٔ انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ش ۴، ص ۶۵-۴۲.
۱۸. مکنزی، ریچارد (۱۹۹۸). ایالات متحده و طالبان در کتاب: افغانستان - طالبان و سیاست جهانی به کوشش ویلیام میلی، ترجمهٔ عبدالغفار محقق، مشهد: ترانه.
۱۹. موسوی چلک حسن (۱۳۹۵). ماهنامهٔ خانه بخت، ش ۷۱، ص ۳۲.
۲۰. ناصری، کامران (۱۳۷۹). «نکاتی چند پیرامون خروج مهاجران افغانی از ایران»، فصلنامهٔ گفتگو، ش ۲۷.
۲۱. ----- (۱۳۷۹). «مهاجران افغان در ایران و سرشماری آنها»، فصلنامهٔ گفتگو، ش ۳۰.
۲۲. نشریه: جمهوری اسلامی افغان‌ها دست ایرانی‌ها را می‌فشارند: ۱۶/۱۰/۸۸
۲۳. نعمتی، معصومه (۱۳۹۰). مهاجرت در ساحت نظریه‌پردازی رسالت، ش ۷۲۴۱، ص ۹.
۲۴. وحیدی، پردیخت (۱۳۶۴). مهاجرت‌های بین‌المللی و پیامدهای آن، تهران: وزارت برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات.
۲۵. هالیدی فرد، افغانستان. اوضاع سیاسی، جنات صفت محمدصادق، همشهری ۱۹ آذر ۱۳۸۰.
۲۶. یوسف، حسن، مجلهٔ «پناهندگان ۲۵» Les Refugies، ج ۴، ش ۱۲۱، ۲۰۰۰: ۲۸/۲۹.

ب) خارجی

27. **Afghanistan demography** [http: Population of Afghanistan Available t: http://commons.wikimedia.org/wiki/File:Afghanistan_demography.svg?uselang=fa](http://commons.wikimedia.org/wiki/File:Afghanistan_demography.svg?uselang=fa)

28. Abbasi, M. J., D. Glazebrook, G. Jamshidiha, H. Mahmoudian and R. Sadeghi (2005_a) **Return to Afghanistan? A Study of Afghans Living in Tehran, Kabul: Afghanistan Research and Evaluation Unit.**
29. Abbasi, M. J., D. Glazebrook, G. Jamshidiha, H. Mahmoudian and R. Sadeghi (2005_b) **.Return to Afghanistan? A Study of Afghans Living in Zahedan, Kabul: Afghanistan Research and Evaluation Unit.**
30. Barnett R. Rubin (Apr 12, 2013). Afghanistan from the Cold War through the War on Terror. Oxford University Press 2013.
31. Bery, J. W. (1992). "Acculturation and Adaptation in a New Society", International Migration, 30 (Special Issue: Migration) and Health in the 1990s): 69-86
32. New York Times 26 feb. 2002 (human Rights watch). www.hrw.org
33. Portes, A. and R. G. Rumbaüt (2001). **Legacks:the Story of the Immigrant Second generation**, New York: The Regents of the University of California,
34. Rajaei, G. (2000). "The Politics of Refugee Policy in Post-Revolutionary Iran", **The Middle East Journal** (54) 1.
35. Schweich, Thomas A..Corruption in Afghanistan:, Report about corruption in Afghanistan. Washington University Law Available at: <http://law.wustl.edu/news/index.asp?id=7651>
36. UNOCHA integrated Regional Information Network 30 April 2002 source: www.Irinnews.org